

## بررسی حس آمیزی و ادراک تنانه در تجربه فضای معماری در بازار سنتی کرمانشاه

### چکیده

موضوع رابطه انسان و محیط در چهار دهه اخیر، در کانون توجه بسیاری از صاحب‌نظران در علوم مختلف بوده است. اگرچه نگاه علمی به پدیده پیوند انسان و مکان مقوله تازه‌ای نیست، هنوز پرسش‌های متعددی در ارتباط با چگونگی تعریف رابطه انسان و مکان برای استفاده در فرآیند طراحی معماری مطرح می‌شود. درک مسئله حس آمیزی و ادراک تنانه در معماری سنتی این مسئله‌ای است که این پژوهش به دنبال آن است. روش این تحقیق کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به دنبال تحلیل بازنمایی حس آمیزی و ادراک بدنی در تجربه فضا معماری است. روش گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و نیمه عمیق می‌باشد. حجم نمونه براساس منطق اشباع نظری و همزمان با انجام مصاحبه‌ها، ۱۶ نفر انتخاب شدند که ۷ نفر آنها زن و ۹ نفر آنها مرد بودند. روش تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق، با استفاده از تحلیل تماتیک (مضمون) می‌باشد. نتایج این تحقیق در قالب مدل مفهومی در سه وضعیت بسترها/ شرایط ارائه شد و وضعیت و موقعیت فضایی و مکانی در قالب ۳ مقوله ارائه شد و در مرحله بعد، پیامدها در ۴ مقوله، دسته‌بندی شد و در این مسیر، مقوله هسته برای بعد سازگاری در قالب احاطه بدن و احساسات در امنیت و روح‌مندی فضای بازار ارائه شد. محیط بازار کرمانشاه، بدن فرد را با شکل و ساختار خود در برمی‌گیرد و امنیت را به بدن فرد می‌دهد و فرد با ارتباط حسی و آگاهانه، در ارتباط با گذشته و نیز رفع نیازهایی انسانی خود را در محیط باز تعریف می‌کند و با روح این مکان ارتباط برقرار کند.

### اهداف پژوهش:

۱. تحلیل بازنمایی حس آمیزی و ادراک بدنی در تجربه فضا معماری.
۲. بررسی حس آمیزی و ادراک تنانه در تجربه فضای معماری در بازار سنتی کرمانشاه.

### سؤالات پژوهش:

۱. ادراک تنانه و حس آمیزی چه نقشی در تجربه فضا در معماری دارد؟
۲. ادراک تنانه و حس آمیزی در مقام منبع الهامی برای تجربه فضای معماری، چه نقشی در فهم بازار سنتی کرمانشاه ایفا می‌کنند؟

**کلمات کلیدی:** حس آمیزی، ادراک تنانه، بازار سنتی کرمانشاه، امنیت، روح‌مندی فضا.

## مقدمه

کارکرد اصلی هنر معماری به عقیده نوربرگ شولتز (۱۳۸۱)؛ این است که مکان را حاضر کند. به دیدار آمدن مکان با ساختن تحقق م یابد. به نظر او هویت مکان، موجب هویت انسان می‌شود. بدین صورت اگر انسان در مکانی قرار گیرد که هیچ نوع سنخیتی با وجودش نداشته باشد، هیچ خاطره‌ای در ذهن او تداعی نکند و در نهایت حس تعلقی به آنجا نداشته باشد، از درون تهی می‌شود و هویت خود را نیز از دست می‌دهد. بنابراین از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است؛ مکان کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، جنس، شکل و رنگ است. مجموعه این عناصر با هم کاراکتر محیطی را تعریف می‌کنند. برای مداخله انسان در محیط، انسان باید کاراکتر اصلی مکان را بشناسد و محیط‌هایی ایجاد کند که در جهت هماهنگی با آن کاراکتر باشد. حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. با این توضیح می‌توان دریافت که زندگی و مکان زندگی دارای پیوندی تنگاتنگ با یکدیگرند و انسان به عنوان موجوداتی وجودی نیاز دارد تا روح مکان را درک کند. این درک نیازمند شناخت محیط و خصوصیات آن است

در بسیاری از مواقع این رابطه با فضا و مکان به دلایلی خاص و در محیط‌های متفاوتی شکل نمی‌گیرد. بناهای قدیمی و عدم همراهی بسیاری از بافت‌های قدیمی با الزامات زندگی جدید، موجب کاهش کیفیت زندگی و نیز کاهش دلبستگی به مکان ساکنین این محلات شده است. زندگی در این بافت‌ها به همان میزان که نیازمند هم‌احساس بودن با رخدادهای، خاطره‌ها و ریشه‌هاست، نیازمند اعتقاد به بروز تغییرات نو در آنهاست. تغییراتی که محور آنها، توجه به احیای بافت با اصل قرار دادن توجه به ساکنین و نیازهای افرادی است که در ارتباط مکانی و تاریخی با فضا هستند. امروزه در بسیاری از بافت‌های تاریخی شهرهای کشور از جمله بازار سنتی کرمانشاه (تاریکه بازار)، مسأله حس تعلق در مؤلفه‌های ذهنی، کالبدی و کارکردی به عنوان یک چالش جدی مطرح است. ضعف حس تعلق منجر به انفصال و یا عدم شکل‌گیری رشته‌های اتصال ساکنان بافت تاریخی با مکان شده است که هر چند به لحاظ فیزیکی در این مکان‌ها حاضر هستند، ولی به لحاظ تعلق‌پذیری، حس‌مند بودن و نیز هویتی خود را جزیی جدا و منفک از آن می‌دانند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی در این باره صورت نگرفته است. با این حال آثاری به بررسی حس‌آمیزی در معماری سنتی پرداخته‌اند. صمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی کیفی ابعاد حسی فضا در بازارهای تاریخی از منظر استفاده‌کنندگان (مطالعه موردی: بازار قزوین)» به بررسی ادراک و حس در معماری سنتی پرداخته‌اند. آنها این نوع مکان‌ها را یک مکان چند حسی می‌دانند و بازارهای سنتی تاریخی را تلفیقی از تمامی محرک‌های حسی ارزیابی کرده‌اند. البته در این اثر به موضوع مورد بحث در پژوهش حاضر پرداخته نشده است.

در پژوهش حاضر به دنبال بررسی حس‌مندی و ادراک‌تنانه در تجربه فضای معماری در بازار سنتی شهر کرمانشاه هستیم تا از این طریق بتوانیم عوامل حسی و نیز مستقیم وجودی و فردی را در بازخوانی فضای معماری بازار کرمانشاه را بررسی کنیم. متناسب با این هدف، سؤالات زیر در این تحقیق مطرح می‌شود:

- ادراک‌تانه و حس‌آمیزی در مقام منبع الهامی برای تجربه فضای معماری، چه نقشی در فهم بازار سنتی کرمانشاه ایفا می‌کنند؟
- درهم‌تنیدگی حواس انسانی در ادراک از فضا تحت تأثیر چه شرایطی است؟
- ماهیت فضای مبتنی بر ادراک بدنی و جسمانیت‌مندی چگونه است؟
- وارد کردن سیستم ادراکی بدن و حواس انسانی چه پیامدهایی برای ادراک ما از فضا دارد؟
- خوانش فضا با وارد کردن عنصر ادراکات بدنی به چه صورتی نمود خواهد یافت؟
- ادراکات بدنی و دیدگاه بصر محور، چگونه باهم سازگار می‌شوند؟

روش این تحقیق کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی به دنبال تحلیل بازنمایی حس‌آمیزی و ادراک بدنی در تجربه فضا معماری است. روش گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و نیمه عمیق می‌باشد تا مصاحبه شونده از قدرت عمل کافی برای بیان نیات و تجربه خود در جریان تحقیق، برخوردار باشد. مشاهدات پژوهشگر نیز در گردآوری داده‌ها، نقش کلیدی و مهمی را ایفا می‌کند. جامعه آماری این تحقیق، را افراد بازدیدکننده از بازار سنتی کرمانشاه تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب این مکان، به ساختار و نیز اِلمان‌هایی بر می‌گردد که محقق متناسب با موضوع و روش کار انتخاب کرده است. برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند و معیار محور استفاده می‌شود و برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌ها و یافتن مسیرهای پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده می‌شود. برای هر دو نمونه‌گیری ملاک ما رسیدن به اشباع نظری و تکراری نبودن گزاره‌هاست. منظور از اشباع نظری<sup>۱</sup>؛ پر شدن فضای یک مفهوم یا مقوله و عدم ظهور داده‌های جدید. اما اشباع چیزی بیش از فقدان داده جدید است. اشباع به توسعه مفاهیم بر حسب معنای الصاق شده در آنها و بر اساس محتواها و ابعاد نیز اطلاق می‌شود. آیا مفاهیم را با محتوای داده پر کرده‌اید؟ آیا هر مقوله را با مفاهیم مناسب و مرتبط اشباع کرده‌اید؟ (گلاسر و اشتراوس، ۱۳۹۱: ۸۹). حجم نمونه بر اساس منطق اشباع نظری و همزمان با انجام مصاحبه‌ها، ۱۶ نفر انتخاب شدند که ۷ نفر آنها زن و ۹ نفر آنها مرد بودند. روش تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق، با استفاده از تحلیل تماتیک (مضمون) می‌باشد. بدین منوال که؛ مصاحبه‌های ضبط شده، پیاده‌سازی، دسته‌بندی و سازمان‌دهی شدند و سپس با استفاده از شیوه تحلیل موضوعی یا تماتیک – که در پدیدارشناسی مرسوم است- داده‌های گردآوری شده بر اساس سؤالات و اهداف تحقیق، مقوله‌بندی شده و در ارتباط با هم مورد تفسیر قرار می‌گیرند. تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در مرحله بعد، محقق در سه قسمت؛ بخش اول شرایط یا دلایلی که بر وضعیت تفسیری این افراد تأثیر می‌گذارد، بخش دوم پیامدهای این امر بر تفسیر آنان و بخش سوم همخوانی یا عدم سازگاری این تفاسیر با نظریات موجود به تحلیل مصاحبه‌ها و داده‌های به دست آمده پرداخت و در نهایت مدل مربوطه تحقیق، استخراج شد.

### نتیجه‌گیری

حرکت در معماری منجر به درک فضا خواهد شد؛ از این رو حرکت عامل بسیار مهمی در کلیه فضاهای معماری از مصر و یونان باستان تا جنبش‌های معماری معاصر بوده است. با پیشرفت علوم در دوره‌های معاصر و پدید آمدن مفاهیم جدیدی از زمان و مکان، توجه به این عامل شدت گرفت و جنبش‌ها تصمیم به وارد کردن این مفاهیم جدید به عرصه هنر گرفتند. این درک فضایی به صورتی سیال و در حال شدن است؛ بدین معنا که ما با فضایی ساکن و آرامی روبرو نیستیم که به همین منوال نیز ادراک فضایی را به فرد تحمیل کند. در لابلای این بناها سفت و سخت، و اغلب زمخت،

<sup>۱</sup> -Theoretical saturation

حرکتی نیز به چشم می‌خورد که بر روی فرد تأثیرگذار است و او را با خود درگیر می‌کند. اجزا در کلیت باهم و با وجود سیالیتی که بین آنها وجود دارد، برای فرد معنا دارد می‌شود و حرکت رکن اساسی است که آنها در تفاسیر خود وارد می‌کنند.

پس یکی از نکات محوری در درک فضایی که در تعامل با آگاهی و حرکت می‌تواند بر این خوانش تأثیرگذار باشد، بحث تجربه بودن در چنین فضایی است که با صرف بودن در چنین مکانی قابل فهم است. انسان و عامل زمان باعث پدید آمدن تجربیات گوناگون و حس‌های متفاوت در فضا می‌شوند. به عقیده زوی حضور فضا و تجربه آن از نزدیک، جزئی از فضا شدن و خود تشکیل‌دهنده فضا بودن و نظاره نمودن فضا با حرکت در آن، مناسب‌ترین ابزار فهم و درک و تجربه فضای معماری است. فرد با لمس کردن این فضا و درگیر کردن خود با آن است که می‌تواند به چنین درکی برسد و چنین امری هرگز با فاصله‌گیری و دور بودن از آن مکان متناظر نیست. بی تردید؛ معنا و مفهوم حرکت در هنر فراتر از بعد فیزیکی است. در هنر حرکت وسیله‌ایست برای فهم و ادراک فضا و می‌توان آن را پرواز روح یا خروج از دنیای مادی و سفر به دنیای خیال نامید. در این فضا بدن در محیطی که آن را دارای روح و روان می‌داند خود را در تنیده می‌داند که در تلاش است با آگاهی از آن، خود را بازتفسیر کند و در این مسیر بدن به پایگاهی برای شناخت، احساسات، درک محیط تبدیل می‌شود و خود را معنایی دوباره می‌بخشد که در این تحقیق در بازار کرمانشاه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این تحقیق در قالب مدل مفهومی در سه وضعیت بسترها / شرایط ارائه شد و وضعیت و موقعیت فضایی و مکانی در قالب ۳ مقوله ارائه شد و در مرحله بعد، پیامدها در ۴ مقوله، دسته بندی شد و در این مسیر، مقوله هسته برای بعد سازگاری در قالب احاطه بدن و احساسات در امنیت و روح‌مندی فضای بازار ارائه شد. محیط بازار کرمانشاه، بدن فرد را با شکل و ساختار خود در برمی‌گیرد و امنیت را به بدن فرد می‌دهد و فرد با ارتباط حسی و آگاهانه، در ارتباط با گذشته و نیز رفع نیازهایی انسانی خود را در محیط باز تعریف می‌کند و با روح این مکان ارتباط برقرار کند.

درک فضایی بازار در این تحقیق، تصویری بوده است که فرد با بودن خود در یک مکان و با استفاده از آگاهی و خوانشی که از محیط اطراف خود دارند، به صورت کنشگرانه شکل می‌گیرد. این تصور سیال و در حال شدن است و چون همراه با حرکت است، از سکون به دور است.

## منابع:

آرنهایم، رودولف. (۱۳۸۶). پویه‌شناسی صور معماری، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم، تهران: ایران.

اشتراوس، انسلم؛ جولیت، کوربین. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

اکبری، علی؛ فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه «ادراکات حسی» و «احساس» در پدیده‌شناسی فضای ساخته شده»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (نامه علوم اجتماعی)، دوره ۶، شماره ۱.

حاتمی گلزاری، کوچک خوشنویس. (۱۳۹۹). «بررسی کیفی ماندگاری معماری مجموعه‌ی بازار تبریز از منظر پدیدارشناسی، اندیشه معماری، شماره ۴.

حبیب رنجبری، شادی؛ اکبری نامدار، شبنم و سالک زمخانی، جلال. (۱۳۹۱). «مفاهیم حس حرکت در معماری، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری.

حقوقی‌نیا، نیما. (۱۳۹۷). «تحلیل ایده معماری چند حسی با تاکید بر بازارهای سنتی ایرانی»، سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و طراحی شهری.

صمدی، جواد؛ ستارزاده، داریوش و بلیلان اصل، لیدا. (۱۳۹۸). «ارزیابی کیفی ابعاد حسی فضا در بازارهای تاریخی از منظر استفاده‌کنندگان (مطالعه موردی: بازار قزوین)»، باغ نظر، شماره ۸۱.

شولتز، کریستیان نوربرگ. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سید علویان، تهران: انتشارات نیلوفر.

عباسی، زهرا؛ حبیب، فرح و مختابادامری، سیدمصطفی. (۱۳۹۷). مروری نو بر ادراک حسی در معماری بازار ایرانی - اسلامی (نمونه موردی: بازار کاشان). نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۸ (۲).

فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.

گروتز، یورگ کورت. (۱۳۸۶). زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی تهران.

مرادی، منصور؛ شیخیان، فرشاد و هادیان فر، محمد. (۲۰۱۶). «نقش حس مکان در بازیابی هویت به مکانهای تاریخی (با مطالعه موردی: بازار سنتی کرمانشاه)»، همایش بین‌المللی معماری شهری، ترکیه (استانبول).

مرلوپونتی، موریس. (۱۳۹۱). جهان ادراک، ترجمه فرزاد جابرالانصار، تهران: انتشارات قفنوس.

نامی، غلام حسین. (۱۳۸۷). مبانی هنرهای تجسمی، تهران: نشر توس.

نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۸۷). روح مکان، ترجمه؛ محمد رضا شیرازی، تهران: انشارت دانشگاه خوارزمی.

نصرتی، مراللو؛ رضا، بهرام وزیری، فراهانی و قاسمی بغدادی، . (۱۳۹۱). «تجلی معانی و مفاهیم حرکت در شکل‌گیری ایران معاصر معما»، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری.

نگین ناجی، صمد، مجتبی، انصاری و حسنعلی، پورمند. (۱۳۹۶). «تبیین نسبت رابطه انسان و مکان در فرآیند طراحی معماری با رویکرد پدیدارشناسی»، معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، دوره ۲۲، شماره ۴.

Rapaport, A. (۱۹۹۳). The invention of Architecture from caves to cities, Vndrestanding , Roth, Leland. Craftsmanhouse

Benson, C. (۲۰۰۲). The Cultural Psychology of Self: Place, Morality and Art in Human Worlds: Taylor & Francis.